

## Analysis and Criticism of the Validation of Tha'albi's and Baghoi's Exegesis from Ibn Taymiyyah's Point of View

Zohra Baba

Ahmadi Milani \*

Assistant Professor in the Department of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Hassan Rezaei

Haftader 

Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran, Farabi Campus, Qom, Iran

### Abstract


Tafsir al-Maalem al-Tanzir fi al-Tafsir va Ta'awil written by Baghoi is a summary of Tafsir Al-Saqat va Al-Bayan an Tafsir al-Qur'an by Tha'labi. Ibn Taymiyyah, one of the Sunni scholars, praised Baghoi's exegesis and on the other hand criticized Tha'albi's exegesis and considered Tha'albi to be one of the people who was not able to distinguish authentic hadith from unauthentic ones, and who narrated weak and fake hadiths. The main question of the research is why, despite the fact that Baghoi summarized Ta'albi's exegesis, Ibn Taymiyyah praised Baghoi's exegesis, but Ta'albi's work is open to criticism. The results of the research show that Baghoi removed some of Tha'albi's narrations (mostly the accounts regarding the virtues of Ahl al-Bayt) and the most important reason for Ibn Taymiyyah's criticism is based on the virtues that Tha'albi has stated. Also, due to the fact that the Shi'ites have cited Ta'albi's exegesis, Ibn Taymiyyah has been very harsh in his treatment of Ta'albi. In this research, we will answer the main question of the research using a library method in collecting the materials, the documentary method in conveying the views, and the descriptive-analytical method in examining the data.


**Keywords:** Tafsir Tha'labi, Tafsir Baghavi, Ibn Taymiyyah, Manaqib, Imam Ali.

\* Corresponding Author: z.babaahmady@scu.ac.ir

**How to Cite:** Baba Ahmadi Milani, Z., Rezaei Haftader, H. (2022). Analysis and Criticism of the Validation of Tha'albi's and Baghoi's Exegesis from Ibn Taymiyyah's Point of View, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(50), 31-59.

## نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه درباره آیات فضایل و مناقب

زهرة بابا احمدی میلانی\*  \* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

حسن رضایی هفتادری  دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران

### چکیده

تفسیر معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل اثر بغوی، خلاصه‌شده‌ی تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن از ثعلبی است. ابن تیمیه از علمای اهل سنت، تفسیر بغوی را ستوده است، وجه ستودن تفسیر بغوی از میان تفاسیر زمخشری، قرطبی و... از میان تفاسیر اهل سنت دو مطلب بود، دوری از: ۱. احادیث بدعت‌آمیز ۲. احادیث جعلی و ضعیف. در مقابل، تفسیر ثعلبی را نکوهش کرده و ثعلبی را در شمار افرادی می‌داند که قادر به تشخیص حدیث صحیح از سقیم نبوده، و احادیث ضعیف و جعلی را بیان کرده است. سوال اصلی پژوهش این است که چرا با این‌که بغوی تفسیر ثعلبی را خلاصه کرده، از دید ابن تیمیه تفسیر بغوی ستوده است، ولی تفسیر ثعلبی قابل نقد می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بغوی برخی از نقل‌های ثعلبی (بیشتر احادیث فضایل اهل بیت) را حذف کرده و مهم‌ترین علت نقد ابن تیمیه، ناظر به روایات فضایی است که ثعلبی بیان کرده است. هم‌چنین، از این جهت که شیعه از باب جدال احسن به تفسیر ثعلبی استناد کرده، تعبیرات سختی را در مورد ثعلبی به کار برده است. در این پژوهش، با روش کتاب‌خانه‌ای در گردآوری مطالب، شیوه اسنادی در نقل دیدگاه‌ها و روش توصیفی-تحلیلی در بررسی داده‌ها، به سوال اصلی پژوهش پاسخ خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: ثعلبی، بغوی، ابن تیمیه، تفسیر، مناقب، امام علی (ع).

## ۱. مقدمه

تفسیر معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل اثر حسین بن مسعود بغوی است که به نام‌های تفسیر فراء و تفسیر بغوی نیز شهرت دارد. با حذف بعضی از نقل‌ها، تلخیصی است از تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری.

ثعلبی، تفسیر خود را به شیوه روایی تألیف نموده و مشتمل بر فضایل سوره‌ها، قصص انبیاء، آیات الاحکام، اخبار و روایات امامیه، و فضایل آل محمد و خاندان عصمت و طهارت (ع) است. بدین جهت از منابع مهم مفسران شیعه بوده است (ر.ک؛ شهیدی صالحی، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

وی، روایات و احادیث شیعه را درباره امام علی (ع) و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر خود نقل نموده و شأن نزول آیات مربوط به امیرالمؤمنین (ع) را ذکر کرده و آن را صحیح و صواب خوانده است. به جهت استناد بسیاری از مفسران مشهور در مواضع متعدد<sup>۱</sup> و هم‌چنین متکلمان شیعه<sup>۲</sup> در مباحث کلامی، به تفسیر ثعلبی از باب جدال احسن به احادیث فضائل، باعث شده که ثعلبی سخت مورد نکوهش و اتهام ابن تیمیه (از علمای اهل سنت) قرار بگیرد، و درباره او، تعبیرات تندی را به کار برده است.

ابن تیمیه می‌نویسد: «اهل علم از محدثان، بر این قولند که ثعلبی احادیث ساختگی را در تفسیرش می‌آورد... و از این روست که ثعلبی را حاطب لیل (هیزم‌کش در شب) می‌دانند و بغوی که حدیث‌شناس و آگاه‌تر از ثعلبی و واحدی نیشابوری است، هرگز در تفسیرش که مختصر تفسیر ثعلبی است، این احادیث دروغی را که ثعلبی نقل کرده، نیاورده است... با آنکه ثعلبی دین‌دار است، به صحیح و سقیم احادیث آگاه نیست و در بیشتر موارد بین سنت و بدعت تفاوتی نمی‌گذارد». (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۱۲)

«ثعلبی و امثال او، حاطب لیل (هیزم‌کش در شب) هستند. هر آن‌چه می‌بایند نقل

۱. طبرسی، ابن جوزی، قرطبی، ثعلبی و سیوطی.

۲. مانند ابن بطریق در کتاب العمدة فی عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار؛ فتح‌الدین اربلی در کتاب کشف الغمه فی معرفة الائمة؛ علامه حلی در کتاب منهاج الکرامه فی معرفة الإمامه.

می‌کنند، خواه حدیث صحیح باشد یا سقیم». (ابن تیمیه حرانی، بی‌تا، ج ۱: ۳۱؛ ج ۱۳: ۳۵۴، ۳۵۹؛ ج ۲۹: ۳۷۷، ۳۷۸؛ همو، ۱۴۰۶، ج ۷: ۱۲، ۹۰ و ۹۹).

«ثعلبی از ائمه‌ی تفسیری است که قادر به تشخیص حدیث صحیح از سقیم و قائل به تبعیض نیست». (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۵: ۵۱۲).

وی در تعبیر دیگر می‌نویسد: «تفسیر بغوی، خلاصه تفسیر ثعلبی است؛ جز آن‌که (بغوی) احادیث جعلی و آراء بدعت‌آمیز را از تفسیر خود حذف کرده‌است». (ابن تیمیه حرانی، بی‌تا، ج ۱: ۵۱، ۳۱؛ ج ۱۳: ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۱؛ همو، ۱۴۰۶، ج ۷: ۳۱۲).

هم‌چنین او در موارد متعددی، در کتاب منهاج‌السنه می‌نویسد: «جمهور علمای حدیث، بر این مطلب اتفاق نظر دارند که صرف نقل حدیث (خبر واحد) از ثعلبی و امثال وی، دلیلی بر صحت حدیث و نقل آن نیست (ر.ک؛ ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۴۲، ۳۰۰)، به تنهایی موجب عمل به آن نمی‌شود (همان: ۹۰؛ ج ۲: ۲۴۷) و جایز نیست به آن استدلال کرد (همان، ج ۷: ۱۳). آن‌چه در تفسیر ثعلبی آمده، موضوع و کذب است (همان: ۱۳، ۹۰؛ ج ۲: ۲۴۷) و به همین دلیل است که هیچ‌یک از علمای حدیث، این احادیث را در کتب خود نقل نکردند که مردم را به آن ارجاع دهند» (همان، ج ۷: ۴۲، ۳۰۰).

#### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه آیات فضائل، پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف انجام شده‌است، مانند بررسی آیات فضائل القرآن در تفسیر ابن کثیر؛ فاطمه طهماسبی؛ مطالعات قرآنی نامه جامعه، شماره ۱۳۲، ۱۳۹۸؛ تحلیل مناسبتی آیه مباحله با دیگر آیات فضائل اهل بیت (ع)، سید سجاد غلامی، کاووس روحی برندق، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، شماره ۷، ۱۳۹۷؛ بررسی تحلیلی عوامل موثر بر تفاوت رویکرد مفسران اهل سنت در آیات فضایل اهل بیت (ع)، یعقوب فتح الهی، حمیدرضا فهیمی تبار؛ پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۴۳، ۱۴۰۰. اما پژوهش‌هایی که در ارتباط با تفسیر ثعلبی و بغوی و دیدگاه‌های ابن تیمیه است به شرح ذیل است: مناقب اهل بیت (علیهم‌السلام) در روایات تفسیر ثعلبی، ماشاء الله جشنی آرانی، شیعه‌شناسی، شماره ۳۲، ۱۳۸۹؛ بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیه درباره شأن نزول

نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۳۵

سوره هل اتی، فرامرز ابراهیمیان، سراج منیر، شماره ۱۸، ۱۳۹۴؛ نقدی بر دیدگاه ابن تیمیه در منهاج السنه درباره آیه ولایت با تأکید بر منابع اهل سنت، ابراهیمی پاکزاد، سید مقداد، عبدالرحمن باقرزاده، سراج منیر، شماره ۲۴، ۱۳۹۵؛ تعارض نظر ابن تیمیه با نظرات علمای اهل سنت در شان نزول آیه ولایت، احمد سعدی، ابوالفضل قاسمی، سلفی پژوهی، شماره اول، ۱۳۹۴؛ بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیه درباره شان نزول سوره هل اتی؛ فرامرز ابراهیمیان، سراج منیر، شماره ۱۸، ۱۳۹۴.

تمامی تلاش‌های انجام‌شده بیشتر به نقد دیدگاه یکی از شخصیت‌ها پرداخته است و به صورت خاص به عنوان اصلی پژوهش: نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه درباره آیات فضائل نپرداخته‌اند؛ از این رو ضرورت انجام پژوهشی با چنین عنوانی احساس می‌شد.

## ۲-۱ روش پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به آیات شاخص از آیات مناقب و فضائل: تبلیغ (مائده: ۶۷)؛ علم‌الکتاب (رعد: ۴۳)؛ دهر (انسان) (۱-۳۱)؛ ولایت (مائده: ۵۵)؛ مباحله (آل عمران: ۶۱)؛ انفاق (بقره: ۲۷۴) و مودت (شوری: ۲۳) پرداخته و تلاش بر این است که مناقبی که ثعلبی ذیل برخی از آیات مطرح کرده، از دو جهت مورد بررسی قرار گیرد: ۱. مواردی که به گفته ابن تیمیه، کسی جز ثعلبی آن‌ها را بیان نکرده، که در این پژوهش اثبات خواهد شد دیگر علمای اهل سنت فراوان اشاره کردند؛ ۲. فضائل و مناقبی که بغوی هم همانند ثعلبی ذیل این آیات، آن‌ها را بررسی کرده‌است، که در هر دو صورت بطلان سخن ابن تیمیه روشن می‌شود. با بررسی موضوع از این دو جهت، ثابت خواهد شد که علت ستایش تفسیر بغوی و نکوهش تفسیر ثعلبی، به جهت حذف برخی منقولات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام از سوی بغوی است.

## ۲. بررسی دیدگاه ابن تیمیه در مورد محتوای تفسیر ثعلبی و بغوی

در این پژوهش، دیدگاه ابن تیمیه مبنی بر این که روایات فضایل و مناقبی که در تفسیر ثعلبی

آمده، نه تنها بغوی، بلکه دانشمندان آگاه‌تر از ثعلبی نیز این روایات را نیاورده‌اند، در دو بعد بررسی می‌شود: الف) آیات فضائلی که در تفسیر ثعلبی آمده، ولی تفسیر بغوی آنها را نیاورده‌است، اما در بیشتر منابع اهل سنت، حکم به صحت این روایات داده شده و آنها را نقل کرده‌اند؛ ب) برخلاف دیدگاه ابن تیمیه، روایات فضائلی را که ابن تیمیه انکار کرده، هم در تفسیر بغوی<sup>۱</sup> و هم در دیگر منابع اهل سنت، به طرق متعدد آمده‌است.

۲-۱. بررسی آیات فضایل از تفسیر ثعلبی و عدم ذکر فضایل از تفسیر

بغوی

۲-۱-۱. آیه تبلیغ

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾؛ (مانده: ۶۷)

ثعلبی ذیل آیه تبلیغ، سه روایت را نقل می‌کند، که به طور صریح، حاکی از ولایت حضرت علی(ع) است (ر.ک؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۹۲). دو روایت از صحابه و یک روایت از تابعان:

الف) از امام محمد باقر(ع) نقل شده: «معناه: بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ فی فضل علی بن ابی طالب، فلما نزلت الآیه أخذ (علیه السلام) بید علی، فقال: " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ "؛ از امام محمد باقر(ع) نقل شده: معنای آیه این است: آن چه از پروردگارت درباره فضل علی بر تو نازل شده برسان، پس رسول خدا(ص) دست علی(ع) را گرفت و فرمود: هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست».

ب) براء بن عازب می‌گوید: زمانی که با رسول خدا(ص) در غدیر خم توقف کردیم. ندا

۱. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق. چاپ اول.

نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۳۷

در داده شد: "الصلاة جامعة" (کلمه ای که برای گردآمدن مسلمانان فریاد می‌شد)، زیر دو درخت برای رسول خدا(ص) تمیز شد، و دست علی را گرفت و گفت: آیا نمی‌دانید من سزاوارتر هستم بر هر مؤمنی از خود او؟ همگی گفتند: آری. پس دست علی را گرفت و گفت: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست؛ خدایا دوست بدار آن‌که علی را دوست بدارد و دشمن دار آن‌که علی را دشمن دارد. سپس عمر با علی ملاقات کرد و به او گفت: گوارایت ای پسر ابوطالب! صبح و شام کردی در حالی که مولای هر مرد و زن مؤمنی هستی».

ج) از ابن عباس در مورد قول « أَيْهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ » آمده که در مورد امام علی(ع) نازل شده است، به پیامبر اکرم امر شده هر آن‌چه را که در مورد علی(ع) هست، ابلاغ کند، که دست امام علی(ع) را گرفت و فرمود: " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ".

گرچه بغوی و برخی از علمای اهل سنت به راحتی از کنار این آیه گذشتند، اما برخی دیگر از علمای اهل سنت، به صراحت در کتاب‌های تاریخی، حدیثی و تفسیری، به طرق متعدد از افراد برجسته‌ای از صحابه و تابعیان، شأن نزول آیه را در مورد حضرت علی(ع) می‌دانند، بدون این که هیچ‌گونه نقدی بر آن داشته باشند. این روایات شأن نزول، از صحابه‌ای چون: زید بن ارقم، ابوسعید خدری، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله انصاری، ابوهریره، عبدالله بن ابی اوفی اسلمی و براء بن عازب انصاری، و از تابعیانی چون: امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، عطیه بن سعد عوفی و ابو حمزه ثمالی، به طرق متعدد نقل شده است.<sup>۱</sup> از جمله علمای اهل سنتی که همانند ثعلبی، آیه تبلیغ را به حدیث غدیر پیوند زدند و به طرق متعددی، این حدیث را در رابطه با اعلان ولایت امام علی(ع) نقل کرده‌اند، عبارتند از: سیوطی (۱۴۰۴، ج ۲: ۲۹۸)، آلوسی (۱۴۱۵، ج ۳: ۳۵۹-۳۶۰)، ابن صباغ (۱۴۲۲، ج ۱: ۲۴۵)، قندوزی (۱۴۱۶، ج ۲: ۲۴۹)، عینی (بی تا، ج ۱۸: ۲۰۶)، فخر رازی

۱. بیشترین طرق از ابن عباس، ابوسعید خدری و ابن مسعود است.

(۱۴۲۰، ج ۱۲: ۴۰۱)، حاکم حسکانی (۱۴۱۱، ج ۱: ۲۴۹، ۲۵۹)، ابن کثیر دمشقی (۱۴۱۹، ج ۴: ۱۱۷۸)، نظام نیشابوری (۱۴۱۶، ج ۲: ۶۱۷)، شوکانی (۱۴۱۴، ج ۲: ۷۰) و ابونعیم اصفهانی (۱۴۰۶: ۸۶).

نقل متعدد روایات فضائل از طرف علمای اهل سنت، از جمله شواهد تاثیرگذاری ثعلبی در مفسران است و همین انگیزه، باعث هجوم ابن تیمیه به ثعلبی شده است. برخی دیگر از اهل سنت، بدون اشاره به آیه تبلیغ، فقط با ذکر حدیث غدیر، نه تنها حدیث را بدون نقد و نظر آوردند، بلکه سند آن را حسن یا صحیح نیز دانستند. ترمذی در باب «مناقب علی بن ابی طالب (ع)»، بعد از ذکر حدیث غدیر، می نویسد: «هذا حدیث حسن غریب». (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۲۹۷).

حاکم نیشابوری ذیل باب «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، نیز بعد از نقل حدیث به طرق متعدد، عباراتی نظیر: «حدیث بریده الاسلامی صحیح علی شرط الشیخین» (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳: ۱۱۰)، «هذا حدیث صحیح علی شرط المسلم» (همان) و «هذا صحیح الاسناد، و لم یخرجاه» (همان: ۵۵۳) را به کار می برد.

هیثمی نیز بعد از نقل حدیث به طرق مختلف می نویسد: «رواه احمد و رجاله رجال الصحیح»؛ «رواه الطبرانی و رجاله وثقوا»؛ «و رواه احمد و رجاله ثقات»؛ «و رواه عبدالله و البزار... و اسنادهما حسن»؛ «رواه البزار فی اثناء حدیث و رجاله ثقات» و «رواه الطبرانی فی الاوسط و اسناده حسن». (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۰۸).

ابوجعفر اسکافی، بعد از نقل حدیث می نویسد: «این فضیلتی است که در اسلام برای حضرت علی (ع) ثبت شده، و این حدیث صحیح است» (ابوجعفر اسکافی، ۱۴۰۲: ۷۲). ابن ابی عاصم: «حدیث "من كنت مولاة"، در نهایت صحت است» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۵۲۲).

ابن حجر نیز در کتاب فتح الباری بشرح صحیح البخاری، آورده است: «حدیث "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ" را ترمذی و نسائی نقل نموده اند و طرق و سندهای آن جدا، بسیار است که همه آنها را ابن عقده در کتابی مستقل آورده و بسیاری از



سندهای آن صحیح و حسن است» (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۷: ۶۱).

فتح‌الدین حنفی می‌گوید:

«اقول حدیث من کنت مولاه فعلى مولاه متواتر لا حاجة الى تفصیل اسانیده؛ حدیث " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ " حدیث متواتری است که حاجتی به ذکر تفصیلی اسناد و ناقلانش نیست» (حنفی، ۱۴۱۸، ج ۹: ۱۰۷).

علامه امینی در الغدیر، مناشده حضرت علی (ع) در یوم‌الرحبه<sup>۱</sup> به این روایت «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» را به طرق مختلف از علمای اهل سنت، ضمن بیان طرق حدیث که می‌گویند حدیث حسن است یا از رجال ثقات برخوردار بوده، آورده است (ر.ک؛ امینی، ۱۹۶۷: ۱۶۶-۱۸۸).

با این که در منابع تفسیری ذیل آیه تبلیغ، روایات فراوانی در شأن نزول این آیه در مورد امیرالمؤمنین (ع) آمده است، ولی بغوی با آوردن اقوال مختلف، برای این که آیه را بی‌ربط به حضرت علی (ع) نشان دهد، فضا را غبارآلود کرده و با آوردن تعبیر «قیل»، این آیه را به همه ربط می‌دهد جز حضرت علی (ع):

«۱. قیل: نزلت فی عیب الیهود؛ ۲. قیل: بلغ ما أنزل إليك من الرجم و القصاص، نزلت فی قصة الیهود؛ ۳. قیل: نزلت فی أمر زینب بنت جحش و نکاحها؛ ۴. قیل: [نزلت] فی الجهاد، و ذلك أن المنافقین کروهه؛ و ۵. قیل: نزلت هذه الآية بعد ما شج رأسه، لأن سورة المائدة من آخر ما نزل من القرآن». (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۷۰). از دیگر علمای اهل سنت، علاء‌الدین بغدادی در تفسیر خازن نیز همین اقوال را بدون این که ذکر از امام علی (ع) بیاورد بیان کرده است. (خازن، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۳)

---

۱. روز رجه روزی است که حضرت علی (ع) در رجه کوفه، از کسانی که در واقعه غدیر حضور داشتند، خواست تا درباره حدیث غدیر شهادت دهند. به ماجرای روز رجه «مناشده رجه» نیز گفته می‌شود، مناشده به معنای سوگند دادن است. دلیل این نام‌گذاری این است که حضرت در ابتدای سخن خویش، با لفظ «انشدالله: قسم می‌دهم به خدا»، از حاضران خواست که به حدیث غدیر شهادت دهند.

## ۲-۱-۲. آیه علم‌الکتاب

﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾؛ (رعد: ۴۳)

ثعلبی مراد از علم‌الکتاب را امام علی(ع) می‌داند، ولی در تفسیر بغوی، فقط به روایاتی اکتفا کرده، که مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را عبدالله بن سلام می‌داند و حول و حوش همین محور، سخن پراکنی می‌کند که بعضی نقل کردند مراد عبدالله بن سلام است. آیا این نقل‌ها درست است یا نه؟ و از ذکر دو روایتی که ثعلبی آورده و به صراحت مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را حضرت علی(ع) می‌داند، پرهیز کرده است. ابن تیمیه نیز از سر ناسازگاری، به هر طریقی، این فضایل را رد می‌کند. پس از نقل روایت، مبنی بر این که مصداق «علم‌الکتاب» امام علی(ع) است، می‌نویسد:

«صحت این روایت باید اثبات شود، و حتی اگر فرض کنیم حدیث درست است، با مخالفت همه علما با آن، قابل استفاده نیست و این حدیث دروغی است که بر محمدبن حنفیه بسته شده است». (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۲۵۱)

در پاسخ باید گفت: این آیه به دلیل مکی بودن و ظاهر آیه، باید مصداقش یکی از نزدیکان پیامبر اکرم(ص) باشد، که هم از جمله اولین مسلمانان بوده و هم علم به آغاز رسالت و نزول وحی داشته باشد، و در بسیاری از تفاسیر اهل سنت روایاتی از صحابه و تابعیان نقل شده که مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، کسی نیست جز علی ابن ابیطالب(ع). این روایات از قول ابن عباس، محمدبن حنفیه و ابوسعید خدری از قول پیامبر اکرم(ص) است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۹: ۳۳۶؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۴۰۰-۴۰۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۳۰؛ قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۰۷).

عبدالله بن سلام نیز از یهودیانی است که در سال اول بعد از رحلت پیامبر(ص) ایمان آورده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۱۰۳) و برخی معتقدند که دو سال بعد از رحلت پیامبر(ص) ایمان آورده است. (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۴: ۱۴۵).

اشکال دیگر این است که ابن تیمیه بیان کرده حتی اگر صحت صدور حدیث درست باشد با مخالفت همه، قابل استفاده نیست. این اجتهاد در مقابل نص است و عدم حجیت

حدیث پیامبر (ص) و وحی در مقابل قول غیر وحی و اقوال علماست.

## ۲-۱-۳. آیه ليله المييت

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ (بقره: ۲۰۷)

ابن تیمیه ذیل آیه ليله المييت می نویسد: «نزول آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...﴾، در شأن حضرت علی (ع) به اتفاق اهل علم به حدیث و تاریخ، دروغ است» (ابن تیمیه، بی تا، ج ۶: ۱۱۹). با بیان سخن ثعلبی و نقل دیگر علمای اهل سنت، بطلان سخن ابن تیمیه مشخص می شود.

ثعلبی ذیل آیه ليله المييت آورده است:

«پیامبر هنگامی که تصمیم به هجرت به سوی مدینه گرفت، علی (ع) را در مکه، برای ادای دیون و امانت‌هایی که نزد او بود، گذارد و آن شب که به سوی غار حرکت می کرد در حالی که مشرکان اطراف خانه او را گرفته بودند، دستور داد که علی (ع) در بستر او بخوابد و به او فرمان داد پارچه سبزرنگی که من دارم به روی خود بینداز و در بستر من بخواب. علی (ع) این کار را انجام داد. در این موقع، خداوند به جبرائیل و میکائیل وحی فرستاد که من در میان شما پیمان برادری ایجاد کردم و عمر یکی را طولانی تر از دیگری قرار دادم، کدام یک از شما دو نفر، زندگی دیگری را بر خود مقدم می‌شمرد؟ هر یک از آن دو، حیات خویش را برگزیدند، در این هنگام، خداوند به آن‌ها وحی فرستاد، چرا شما همانند حضرت علی (ع) نبودید، من میان او و پیامبر پیمان برادری برقرار ساختم و او در بستر پیامبر خوابید و جان او را بر جان خود مقدم شمرد و... این آیه در شأن امام علی (ع) نازل شد» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۲۶).

در حدیث دیگری نیز از ابن عباس می نویسد:

«نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِينَ هَرَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِلَى الْغَارِ مَعَ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ وَنَامَ عَلِيُّ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى فِرَاشِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». (همان)

محتوای حدیث اول ثعلبی به همین مضمون، در فصول المهمه (ر.ک؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۲۹۵) و شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (ر.ک؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۲۳)

آمده است. مفاتیح الغیب (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۳۵۰)، و ینابیع الموده لذوی القربی (ر.ک؛ قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۷۴)، با عباراتی مختصرتر نیز آن را بیان کرده اند.

ذیل این آیه، احادیث و تعبیرات مختلفی از علمای اهل سنت در مورد حضرت علی (ع) آمده است. در بعضی نقل ها با تعبیر «اول من شری» آمده است: «أَوَّلُ مَنْ شَرَى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ». (همان: ۲۷۳؛ خوارزمی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۲۷؛ جوینی خراسانی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۳۰).

برخی دیگر بدون اشاره به شأن نزول آیه می نویسند:

«حضرت علی (ع) در جای پیامبر خوابید و پیامبر از مکه خارج شد». (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲: ۶۸؛ ابن مردویه، ۱۴۲۲: ۲۲۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۲۴؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۲۹۰).

حاکم نیشابوری نیز نوشته است:

«علی (ع) جان خویش را به خدا فروخت، لباس پیامبر را پوشید و سپس به جای او خوابید...»

وی در پایان این حدیث می گوید:

«هذا الحدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه؛ این حدیث معتبری است، هر چند بخاری و مسلم در کتاب خود آن را نیاورده اند...». (حاکم نیشابوری بی تا، ج ۳: ۳۸۰).

بغوی ذیل این آیه، بر خلاف دیگر علمای اهل سنت، هیچ فضیلتی را برای امام علی (ع) بیان نکرد و بدون توجه به شأن نزول ها و اقوال مشهور، فقط به بیان اقوال پراکنده بدون این که یکی را بر دیگری ترجیح دهد، می پردازد:

«۱. أن هذه الآية نزلت فی سرية الرجیع؛ ۲. قال أكثر المفسرین: نزلت فی صهیب بن سنان الرومی؛ ۳. نزلت هذه الآية فی المسلم یلقى الکافر؛ و ۴. نزلت الآية فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر». (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۶۶-۲۶۷).

تفسیر خازن نیز همانند تفسیر معالم التنزیل بغوی، اقوال پراکنده ای را بدون هیچ گونه ترجیح ذیل آیه آورده است (ر.ک؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۷).

نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۴۳

## ۲-۲. ذکر مناقب اهل بیت (ع) هم در تفسیر ثعلبی و هم در تفسیر بغوی

در این بخش، آیات فضایی را بررسی خواهیم کرد که علاوه بر تفسیر ثعلبی، هم تفسیر بغوی و هم در دیگر تفاسیر علمای اهل سنت، مناقب اهل بیت (ع) ذکر شده است و از این جهت، بطلان سخن ابن تیمیه مشخص خواهد شد.

### ۲-۲-۱. آیه ولایت

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵).

ثعلبی ذیل آیه «ولایت» در سه روایت، مصداق آیه را به طور صریح، حضرت علی (ع) می‌داند:

- در یک روایت از ابن عباس و سدی نقل می‌کند که مراد از «...وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» است که نیازمندی به امام (ع) رسید و امام در حال رکوع در مسجد، انگشترش را به او داد.

- در روایتی دیگر ذیل این آیه، از احمد بن حنبل می‌نویسد: «در باره احدی از اصحاب پیامبر (ص) فضایی مثل آن چه که در مورد امام علی (ع) آمده، نیامده است.» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۸۰).

- در روایت دیگر که بیشتر از سوی ابن تیمیه مورد نقد قرار گرفته است، روایتی را از ابوذر غفاری نقل می‌کند.

ابوذر غفاری می‌گوید:

«از رسول خدا شنیدم که فرمود: علیُّ قائد البررة وقاتل الكفرة، منصورٌ من نصره، مخدولٌ من خذله، أما إنني صليتُ مع رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً صلاة الظهر، فسأل سائل في المسجد، فلم يعطه أحد شيئاً، فرفع السائل يده إلى السماء، وقال: اللهم اشهد أنني سألتُ في مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله فلم يعطيني أحد شيئاً! وكان عليٌّ عليه السلام راکعاً، فأومأ إليه بخنصره اليمنى - وكان يتختم بها - فأقبل السائل حتى أخذ الخاتم من خنصره، وذلك بعين النبي صلى الله عليه وآله. فلما فرغ من صلاته رفع رأسه إلى السماء و»

قال: اللهم إن أخی موسى سألک، فقال: رَبُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي ... وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَحْسَى اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي الْآيَةُ، فَأَنْزَلَتْ عَلَيْهِ قِرْآنًا نَاطِقًا سَنَسُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا اللَّهُمَّ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ صَفِيُّكَ اللَّهُمَّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي ... وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي عَلِيًّا أَشَدُّدَ بِهِ ظَهْرِي. قال أبوذر: فَوَاللَّهِ مَا اسْتَمَّ رَسُولُ اللَّهِ الْكَلِمَةَ حَتَّى أَنْزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ، فَقَالَ: وَ مَا أَقْرَأُ؟ قال: اقْرَأْ إِنَّمَا وَكَّلْتُكُمْ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ، إِلَى رَاكِعُونَ». (ابن تیمیة حرانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۸۱).

در روایات بسیاری اعم از منابع شیعی و اهل سنت، شأن نزول آیه در مورد اعطای انگشتری امام علی (ع) است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲: ۳۸۳؛ طبری، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۸۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۴۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۱۶؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۵: ۱۳۹).

ابن تیمیه نخستین کسی است که به صراحت، شأن نزول آیه را رد می کند، و در رد سخن علامه حلی مبنی بر این که دانشمندان اجماع دارند که این آیه درباره امام علی (ع) است، برعکس ادعای اجماع، بر کذب بودن نزول را مطرح می کند، و روایاتی که در این مورد نقل شده را از احادیث ساختگی می داند. با توجه به این که برخی دانشمندان از جمله ثعلبی، این احادیث را نقل کرده اند، برای این که ادعای اجماعش از بین نرود می نویسد:

«اهل علم از محدثان، بر این قولند که ثعلبی احادیث ساختگی را در تفسیرش می آورد. بغوی که حدیث شناس و آگاه تر از ثعلبی و واحدی نیشابوری است، هرگز در تفسیرش که مختصر تفسیر ثعلبی است، این احادیث دروغی را که ثعلبی نقل کرده، نیاورده است.»

هم چنین ادعا کرده که دانشمندان بزرگ و اهل تفسیر مانند: محمدبن جریر طبری و ابن ابی حاتم، این روایات را نقل نکرده اند.

سخن ابن تیمیه بر سه بخش است: ۱. ادعای اجماع بر کذب این روایت؛ ۲. تهمت به ثعلبی؛ و ۳. عدم نقل حدیث توسط دانشمندان بزرگ از جمله بغوی و طبری و ابن ابی حاتم.

نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۴۵

در نقد دیدگاه ابن تیمیه باید گفت: بسیاری از علمای اهل سنت، اتفاقاً به تصریح بیان می‌کنند که اجماع بر نزول آیه در مورد امام علی (ع) است. ثعلبی می‌نویسد: «اتفاق بر این است که علی (ع) در حالی که در رکوع بود صدقه داد». (ثعلبی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۹۶)

قاضی عضد ایجی نیز نقل می‌کند: «اجماع مفسران بر آن است که این آیه درباره امام علی (ع) است». (قاضی عضد ایجی، بی تا، ج ۳: ۶۱۴).

نیشابوری نیز بر اجماع تصریح می‌کند (ر.ک؛ نظام نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۶: ۱۶۹). ابن تیمیه در قرن هشتم، نخستین کسی بود که این نظریه را رد کرد. علاوه بر ثعلبی، اکثر تفاسیر از قرن چهارم تا قرن هشتم که از اهل سنت روایاتی را آورده‌اند که در آنها نقل شده منظور از آیه، امام علی (ع) است، در حالی که ابن تیمیه گفت: طبری و بغوی و ابن ابی حاتم، روایات را نقل نکرده‌اند.

از مفسران قرن چهارم، ابوليث سمرقندی (بی تا، ج ۱: ۴۰۱) و جصاص (۱۴۰۵، ج ۴: ۱۰۲)؛ از مفسران قرن پنجم، ثعلبی (۱۴۲۲، ج ۴: ۷۹)؛ از مفسران قرن ششم، بغوی (۱۴۲۰، ج ۲: ۱۵) و زمخشری (۱۴۰۷، ج ۱: ۱۴۹)؛ از مفسران قرن هفتم، قرطبی (۱۳۶۴، ج ۶: ۲۲۱) و بیضاوی (۱۴۱۸، ج ۲: ۱۳۲)؛ و از مفسران قرن هشتم، ابوحنان اندلسی (۱۴۲۰، ج ۴: ۳۰۰)، ابن کثیر دمشقی (۱۴۱۹، ج ۳: ۱۲۵) و نسفی (۱۴۱۶، ج ۱: ۴۱۸)، شأن نزول آیه را در مورد اعطای انگشتر امام علی (ع) دانسته‌اند.

حتی ابن حجر از علمای اهل سنت نیز در رد نظریه ابن تیمیه می‌نویسد: «ابن تیمیه در رد احادیث ابن مطهر (علامه حلی) زیاده روی کرده، و این زیاده روی به گونه ایست که به تنقیص علی (ع) منجر شده است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۶: ۳۱۹). هم چنین بر خلاف دیدگاه ابن تیمیه که ثعلبی را متهم به حاطب لیل (هیزم کش در شب) می‌کند و او را ناآگاه به صحیح و سقیم، سنت و بدعت می‌شناسد، بیشتر دانشمندان، ثعلبی را به شدت تأیید و ستوده‌اند. از جمله ابن خلکان، ثعلبی را این گونه توصیف می‌کند: «وی در دانش تفسیر، یگانه دوران خود بوده و تفسیری بزرگ نگاشته که بر تمام تفسیرها

برتری دارد».

غافرین اسماعیل فارسی در کتاب سیاق تاریخ نیشابور، نام ثعلبی را آورده و وی را با این عبارات ستوده است: «هو صحیح النقل موثوق به؛ او درست گفتار و مورد اطمینان است». (ابن خلکان، بی تا، ج ۱: ۷۹)

سیوطی نیز می نویسد: «عالمًا بارعًا فی العربیة حافظًا موثقًا؛ دانشمندی چیره دست در عربیت و حافظی مورد اطمینان است» (سیوطی، بی تا: ۱۷).

هم چنین «خیر العلماء»، «بحر العلماء»، «نجم الفضلاء»، «صدر الاثمه» و «منقطع القرین»، اوصافی است که واحدی نیشابوری، استاد خود را به آن ستوده است و در وصف آثار علمی استاد خود، تفسیر وی را اثری خوانده که همه عالمان امت اسلامی، با وجود اختلاف آراء و عقاید، آن را ستوده و بر برتری علمی مؤلف آن صحه نهاده اند. بر آیند سخن علما در ستودن ثعلبی، گویای این مطلب است که وی در زمینه های گوناگون علمی هم چون: تفسیر، علوم قرآنی، حدیث و ادبیات عرب، سرآمد روزگار خویش بوده است.

پس برخلاف دیدگاه ابن تیمیه که می گفت: بغوی از ثعلبی آگاه تر و تفسیرش مختصر تفسیر اوست، این احادیث دروغین را نیاورده، علاوه بر دیگر مفسران اهل سنت، بغوی در ضمن اقوال گوناگونی که درباره شأن نزول این آیه می آورد، با صراحت می نویسد: «ابن عباس و سدی می گویند: خداوند از این آیه "وَالَّذِينَ آمَنُوا"، (علی ع) را اراده کرده است. نیازمندی به امام علی رسید و امام در حال رکوع در مسجد، انگشترش را به او داد» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۶۴).

## ۲-۲-۲. آیه مباهله

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾؛ (آل عمران: ۶۱)

ثعلبی در شأن نزول آیه مباهله آورده است:

«رسول خدا وقتی نصارا را دعوت به مباهله کرد گفت: فعلاً برمی گردیم و پیرامون این پیشنهاد مشورت می کنیم، وقتی با هم خلوت کردند به عاقب - که از صاحب رأیان



ایشان بود- گفت: ای عبدالمسیح! تو چه صلاح می‌دانی؟ او گفت: به خدا سوگند! ای گروه نصارا شما خوب می‌دانید که محمد(ص) نبی‌ایست مرسل، و این پیشنهادی که او کرده درباره حضرت مسیح، حق را از باطل جدا کرده و به خدا سوگند هیچ قومی با پیغمبری مباحله نکرده که بعد از مباحله دیری پائیده باشد، بزرگسالان زنده مانده و خردسالان نشان به رشد رسیده باشند و شما هم اگر دست به چنین کاری بزنید، بطور قطع همه ما هلاک می‌شویم. اگر جز به حفظ دینی که با آن انس گرفته‌اید رضا نمی‌دهید و می‌خواهید وضع موجود خود را هر چه هست حفظ کنید، پس با او قراری ببندید و به دیار خود برگردید. نصارا به سوی رسول خدا(ص) روانه شدند، از آن سو هم پیامبر(ص)، حسین(ع) را در آغوش و دست حسن(ع) را در دست گرفته، فاطمه(س) دنبالش و علی(ع) نیز به دنبال فاطمه به راه افتادند. رسول خدا(ص) فرمود: "هر گاه من دعائی کردم شما آمین بگویید". اسقف نجران وقتی آن جناب و همراهانش را بدید، به مردم خود گفت: "ای گروه نصارا! من به یقین چهره‌هایی می‌بینم که اگر از خدا درخواست کنند کوهی را از جای بکند می‌کند. زنهار که مباحله مکنید، و گرنه هلاک می‌شوید و تا روز قیامت، حتی یک نفر نصرانی روی زمین نمی‌ماند". (چون این دو گروه به هم رسیدند) مسیحیان گفتند: "ای ابوالقاسم! ما مشورت کردیم و صلاح خود را در این دیدیم که با تو مباحله نکنیم و شما را به دین خودتان و خود را به دین خود واگذاریم". پیامبر(ص) فرمود: "حال که از مباحله امتناع دارید، پس اسلام را بپذیرید تا به نفع شما باشد آنچه به نفع مسلمانان است، و به ضررتان باشد هرچه به ضرر ایشان است". مسیحیان این پیشنهاد را هم نپذیرفتند. فرمود: "پس من ناگزیر با شما می‌جنگم". عرضه داشتند ما طاقت جنگیدن با عرب را نداریم، ولی حاضریم با تو مصالحه کنیم بر این که با ما جنگی و ما را تهدید نکنی و از دینمان برنگردانی. ما در مقابل، همه‌ساله دو هزار طاقه پارچه، هزار طاقه در ماه صفر و هزار طاقه در ماه رجب، و سی عدد زره عادی آهنی (درعهای قدیمی) بپردازیم، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و-آله هم با ایشان به همین، مصالحه کرد. آن‌گاه فرمود: "به آن خدایی که جانم به دست اوست، هلاکت تا بالای سر اهل نجران آویزان شده بود و اگر مباحله می‌کردند، به صورت

میمون و خوک مسخ می شدند و بیابان در زیر پایشان شعله ور گشته، در آخر خدای تعالی نجران و اهلش را منقرض می کرد، حتی مرغان بالای درخت هایشان را می سوزاند، و اما بقیه نصارای دنیا، یک سال طول نمی کشید که همه هلاک می شدند و در روی زمین، حتی یک نصرانی باقی نمی ماند». (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳: ۸۵).

ابن تیمیه، شبهات مختلفی را پیرامون آیه مباحله وارد می کند (ر.ک؛ ملا موسی میبدی، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۴۲)، از جمله این شبهات، شمول عنوان «ابناءنا»، «نساءنا» و «انفسنا» بر غیر از اهل بیت (ع) است (ر.ک؛ ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۱۲۹).

بر خلاف دیدگاه ابن تیمیه، بغوی همین عبارت را عیناً نقل کرده است (ر.ک؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۵۱). هم چنین در مصداق این آیه می نویسد: «مراد از "ابناءنا"، حسن و حسین علیهم السلام؛ و از "نساءنا"، فاطمه (س)؛ و از "انفسنا"، نبی مکرم (ص)، نفس خودش و علی (ع) را قصد کرده است». (همان: ۴۵۰).

دیگر مفسران و محدثان اهل سنت نیز بر این مطلب تصریح کردند (ر.ک؛ قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۶۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۴۷؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۸۲؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۵۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۴، ج ۱: ۵۰؛ خوارزمی، ۱۴۱۴: ۱۶۰).

### ۳-۲-۲. آیات سوره دهر (انسان)

تفسیر ثعلبی به طرق مختلف، آیات سوره دهر را از جمله فضایل اصحاب کساء می داند و در یکی از نقل ها می نویسد:

«حسن و حسین بیمار شدند. رسول خدا (ص) و عموم عرب و عجم به عیادت آن دو رفتند. پس پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: "ای ابوالحسن! کاش برای فرزندان نذری می کردی!" وی سه روز نذر کرد. فاطمه، مادر آن دو و فضه، کنیزشان نیز سه روز، نذر کردند. پس آن دو از بیماری شفا یافتند... سپس آنها سه روز نذر گرفتند و موقع افطار روز اول، مسکین به در خانه آمد و همه اهل خانه، طعام را در راه خدا به وی بخشیدند؛ و در هنگام افطار روز دوم، یتیمی به در خانه آمد و همه اهل خانه طعام را به وی بخشیدند و هم چنین روز سوم، اسیر آمد و اطعامش دادند و خود با آب افطار کردند...»

نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۴۹

فردای آن روز جبرئیل امین نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: "ای محمد! بگیر آنچه را که خداوند در خصوص اهل بیت، تو را به آن بشارت داده است." پیامبر فرمود: "چه چیزی را بگیرم ای جبرئیل؟" پس این آیات را بر او خواند: ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا﴾ (انسان: ۱) "آیا زمان طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!".

در بیشتر نقل ها از ابن عباس نقل شده است. ابن تیمیه در نقل و مناقشه سند حدیث ثعلبی، چنین می گوید: «ابتدا روایت ثعلبی باید بررسی شود. در صحت نداشتن این روایت، اهل سنت و شیعه اتفاق دارند. چنانچه یک روایت را ثعلبی و واحدی و مانند این دو نقل کرده باشند، دال بر صحت نمی شود» (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۱۷۷).

در جای دیگر می نویسد: «روایت از نظر محدثانی که قولشان در این خصوص قابل استناد و معتبر است، جعلی و ساختگی است، به طوری که در هیچ یک از کتب مرجع خود از جمله صحاح و مسانید، و جوامع و سنن، نقل نکرده اند» (همان: ۱۷۷-۱۷۸).

اما روایات شأن نزول این آیات، منحصر به روایت ثعلبی نیست. در تأیید سخن ثعلبی و بطلان سخن ابن تیمیه، بسیاری از علمای اهل سنت، این واقعه را با طرق معتبر در کتاب-های تفسیری و حدیثی نقل کردند، با این تفاوت که بسیاری از آنها، کل سوره دهر را در شأن اهل بیت (ع) می دانند و داستان شأن نزول را به طور کامل آورده اند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۷۰؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۲۶۸-۲۶۹؛ ابوالسعود، بی تا، ج ۹: ۷۳؛ نظام نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۶: ۴۱۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۷۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۴؛ زیلعی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۳۴).

علامه امینی در کتاب الغدیر، اسامی ۳۴ نفر از دانشمندان و بزرگان اهل سنت را ذکر کرده، که این شأن نزول را تأیید کردند (ر.ک؛ امینی، ۱۹۶۷، ج ۳: ۱۰۷).

ابن جریر طبری نیز این حدیث را در شأن نزول سوره انسان به صورت طولانی روایت کرده است. این در حالیست که ابن تیمیه درباره تفسیر محمد بن جریر طبری می گوید: «از اصح تفاسیر و اجل و اعظم آنهاست، و از بدعت به دور است و از متهمان نقل نمی کند».

برخی از مفسران، آیات ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ﴾، ﴿كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾؛ (انسان: ۵) و ﴿إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا﴾؛ (انسان: ۲۲)، را در شأن اصحاب کساء می‌دانند (ر.ک؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۹۵، ۳۹۷ و ۴۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۴).

برخی نیز آیه اطعام ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ...﴾؛ (انسان: ۸) را درباره آنان می‌دانند و می‌نویسند: این آیه (اطعام) درباره علی (ع) و فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص)، نازل شده است. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۰۳، ۴۰۶ و ۴۰۸؛ ابولیت سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۵۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۳۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۴۲۱).

برخلاف دیدگاه ابن تیمیه که حدیث نقل شده در مورد خاندان اهل بیت، که در بیشتر نقل‌ها از ابن عباس نقل شده، را صحیح نمی‌داند، بسیاری از علمای اهل سنت، علاوه بر نقل این داستان، صحت و متواتر بودن این حدیث را یادآور می‌شوند.

آلوسی و حقی بروسوی، به شهرت این حدیث اذعان دارند و می‌نویسند: «این داستان، خبر مشهوری در بین مردم است». (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۴؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۶۸).

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، نیز بعد از نقل این داستان به طرق متعدد و ذکر شأن نزول‌های بی‌ربط، می‌نویسد:

«زمانی که فساد و بطلان دیگر وجوه روشن شد، صحت آنچه را که ما گفتیم تثبیت می‌شود، که این شأن نزول در مورد علی (ع) و خاندان اوست و دلالت بر این مطلب، قول ابن عباس است که او عالم این امت است» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۰۹).

در جای دیگر می‌نویسد:

«بعضی از نواصب بر این قصه اعتراض کردند، و می‌گویند: به اتفاق اهل تفسیر، این سوره مکی است، در صورتی که این داستان در مدینه اتفاق افتاده، چطور می‌تواند شأن نزول این سوره باشد؟ و این داستان جعلی است. می‌گویم: قلت "کیف یسوغ له دعوی

الإجماع - مع قول الأكثر: أنها مدنيه! (همان).

علامه امینی در کتاب الغدير، از قول نوه ابن جوزی چنین می نویسد:

«ابوالمظفر سبط بن جوزی حنفی در تذکره خود، از طریق بغوی و ثعلبی آن را نقل کرده و بر جدش ابن جوزی که آن را در ردیف حدیث های مجعول می شمرده، ایراد گرفته و پس از آن که سندش را از ضعف پیراسته، می گوید: "من از سخن جدم و از انکاری که او از این حدیث کرده، درشگفتم" (امینی، ۱۹۶۷، ج ۵: ۱۹۳).

بغوی، مورد نزول این آیه را دو مورد بیان می کند و با آوردن دو شأن نزول متفاوت، بدون هیچ گونه ترجیحی، قضاوت را به گوینده واگذار می کند: ۱. «نَزَلَتْ فِي رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ أَطْعَمَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا...»؛ ۲. «أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ عَمِلَ لِيَهُودِيٍّ بِشَيْءٍ مِنْ شَعِيرٍ، فَقَبِضَ الشَّعِيرَ فَطَحَنَ ثُلُثَهُ فَجَعَلُوهُ مِنْهُ شَيْئًا لِيَأْكُلُوهُ، فَلَمَّا تَمَّ إِنْضَاجُهُ أَتَى مَسْكِينٌ فَسَأَلَ فَأَخْرَجُوا إِلَيْهِ الطَّعَامَ، ثُمَّ عَمِلَ الثُّلُثَ الثَّانِيَّ فَلَمَّا تَمَّ إِنْضَاجُهُ أَتَى يَتِيمٌ فَسَأَلَ فَأَطْعَمُوهُ، ثُمَّ عَمِلَ الثُّلُثَ الْبَاقِيَ فَلَمَّا تَمَّ إِنْضَاجُهُ أَتَى أُسِيرٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَسَأَلَ فَأَطْعَمُوهُ، وَ طَوَّأُوا يَوْمَهُمْ ذَلِكَ» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۹۲)

## ۲-۲-۴ آیه انفاق

پیروان اهل بیت علیهم السلام، برای اثبات افضلیت و امامت علی (ع) به آیات و روایات مختلفی استناد کرده اند. یکی از این آیات، آیه ۲۷۴ سوره بقره، معروف به آیه انفاق است: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ).

این آیه زمانی نازل شد که حضرت چهار درهم داشت و یکی را شبانه (در راه خدا) صدقه داد و یکی را روز، و یکی را پنهانی، و یکی را آشکارا. این مطلب را ثعلبی در روایتی از ابن عباس نقل می کند:

«روى عن مجاهد عن ابن عباس رضى الله عنهما قال: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، كَانَتْ عِنْدَهُ أَرْبَعَةُ دَرَاهِمٍ لَا يَمْلِكُ غَيْرَهَا، فَتَصَدَّقَ بِدَرَاهِمٍ لَيْلًا وَ بِدَرَاهِمٍ نَهَارًا وَ بِدَرَاهِمٍ سِرًّا وَ بِدَرَاهِمٍ عَلَانِيَةً...» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۸۳).

در روایت دیگری، ثعلبی ذیل همین آیه از یزید بن روان نقل می‌کند: «در قرآن، در مورد احدی مانند آن چه در مورد امام علی (ع) نازل شده، نازل نشده است؛ ما نزل فی أحد من القرآن ما نزل فی علی بن ابی طالب رضی الله عنه» (همان: ۲۸۴).

ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه، در نقد حدیث اول، فضیلت ذکر شده برای علی (ع) را مورد مناقشه قرار داده و معتقد است که این حدیث دروغ است، و شأن نزول آیه را چیز دیگری دانسته و در نقد این حدیث گفته که این حدیث توسط ابونعیم و ثعلبی نقل گردیده است، و نقل توسط این دو نفر حجت نبوده و حدیث دروغ است (ر.ک؛ ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۲۲۸).

در نقد نظر ابن تیمیه، باید گفت علاوه بر ابونعیم و ثعلبی، دانشمندان بسیاری از اهل سنت، این روایت را در کتب خویش از قول ابن عباس نقل کرده‌اند. (قندوزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۱۹؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۸۴؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۷۷؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۱؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۹۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۹۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۷۱).

هم چنین، بغوی روایتی را که ثعلبی از ابن عباس نقل می‌کند، دقیقاً در تفسیر خویش می‌آورد (ر.ک؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۸۱).

## ۲-۲-۵. آیه مودت

آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ (شوری: ۲۳)

ثعلبی ذیل این آیه روایتی را از ابن عباس نقل می‌کند:

«زمانی که آیه مودت نازل شده، از پیامبر (ص) سؤال کردند، یا رسول الله! نزدیکان تو، کسانی که مودت آن‌ها بر ما واجب شده است چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمود: حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و فرزندانشان؛ لَمَّا نَزَلَتْ { قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى } قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتِكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا». (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸: ۳۱۱).

بغوی نیز ذیل آیه مودت نقل کرده که در مورد قرابت پیامبر (ص) اختلاف کرده‌اند و

نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۵۳

با تعبیر «قیل» آورده است «هم فاطمة الزهراء و علی و ابناهما و فیهم نزل: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» (بغوی، ۱۴۲۰، ج: ۴: ۱۴۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

تفسیر ثعلبی، از آوردن روایات در خصوص فضایل اهل بیت که مورد پسند برخی علمای عامه نبوده، خودداری نکرده است، و اکثر روایات فضایل را نقل کرده است. تفسیر بغوی با حذف برخی از منقولات که بیشتر ناظر به روایات فضایل اهل بیت (ع) هستند، تفسیر ثعلبی را خلاصه کرده است. از این رو ابن تیمیه، جهت خالی کردن دست شیعه، در استنادی که به روایات تفسیر ثعلبی از باب جدال احسن دارد، و نیز با عناد و لجاجتی که نسبت به شیعه در ذکر فضائل اهل بیت دارد، ثعلبی را حاطب لیل می‌داند، به این معنی که توانایی تشخیص حدیث صحیح از سقیم را ندارد. در صورتی که در پژوهش، بطلان سخن ابن تیمیه ثابت شد که روایات فضایل ذیل آیات فضایل، منحصر به نقل ثعلبی نیست. دیگر علمای اهل سنت (غیر از بغوی)، این فضایل را متذکر شدند، ذیل آیه تبلیغ، علاوه بر ذکر روایات فضایل از اهل سنت برخی دیگر از اهل سنت، بدون اشاره به آیه تبلیغ، فقط با ذکر حدیث غدیر، نه تنها حدیث را بدون نقد و نظر آوردند، بلکه سند آن را حسن یا صحیح نیز دانستند. ذیل آیه «علم الکتاب» نیز علاوه بر نقل دیگر علمای اهل سنت مبنی بر این که مراد از «علم الکتاب» امام علی (ع) است، قول بغوی که مراد از «علم الکتاب» را عبدالله بن سلام می‌داند، نقد شد. ذیل آیه «لیله المیبت» نیز بیشتر علمای اهل سنت بر خلاف قول بغوی، شان نزول آیه را مربوط به امام علی (ع) می‌دانند، و به صحت اسناد این حدیث اشاره می‌کنند. بطلان دیگر سخن ابن تیمیه، ذکر مناقب اهل بیت هم در تفسیر ثعلبی و هم در تفسیر بغوی ذیل آیه ولایت، مباحله، انفاق و مودت است، البته باید تصریح کرد که بغوی ضمن ذکر برخی فضایل، بسیاری از فضایل را نیز مخفی کرده است.

### ORCID

Zohra Baba Ahmadi

Milani

Hassan Rezaei Haftader

 <http://orcid.org/>

 <http://orcid.org/>

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه علی مشکینی.
- ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو. (۱۴۱۳ق). کتاب السنه. تحقیق محمد ناصرالدین البانی. بیروت: المكتب الاسلامی.
- ابن تیمیة حرانی، أحمد بن عبدالحلیم. (بی تا). مقدمه فی اصول التفسیر. بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۶ق). منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه. تحقیق محمد رشاد سالم. ریاض: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار الكتاب العربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۰۶ق). لسان المیزان. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات. \_\_\_\_\_ (بی تا). فتح الباری. بیروت: دار المعرفه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد. (بی تا). وفيات الاعیان. بیروت: دار صادر.
- ابن صباغ، علی بن محمد. (۱۴۲۲ق). الفصول المهمه فی معرفه الأئمه. قم: دار الحدیث.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التنویر. بیروت: موسسه التاريخ.
- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق محمد حسین شمس-الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن مردویه، احمد بن موسی. (۱۴۲۲ق). مناقب علی بن ابی طالب. تحقیق عبدالرزاق حرزالدین. قم: دار الحدیث.
- ابوالسعود، محمد بن محمد. (بی تا). ارشاد العقل السلیم الی مزایا الكتاب الکریم. بیروت: دار الفکر.
- ابوجعفر اسکافی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۲ق). المعیار و الموازنه. تحقیق محمد باقر محمودی. بی جا: بی نا.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- ابولیت سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). بحر العلوم. بی جا: بی نا.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). دلائل النبوه. بیروت: دار النفاثس.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق). النور المشتعل. تحقیق محمد باقر محمودی. تهران: وزارت



نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه...؛ بابا احمدی میلانی و رضایی هفتادر | ۵۵

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطیه. بیروت: دارالکتب العلمیه.

امینی، عبدالحسین. (۱۹۶۷م). *الغدیر*. بیروت: دار الکتب العربی.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق) *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). *سنن الترمذی*. تحقیق عبدالوهاب عبدالطیف. بیروت: دار الفکر.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان*. تحقیق ابو محمد بن عاشور. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۰ق). *فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و الأئمه من ذریتهم علیهم السلام*. بیروت: مؤسسه المحمودی.

حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق محمد باقر محمودی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*. تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشی. بی جا: بی تا.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). *معرفة علوم الحدیث*. بیروت: دار ابن حزم.

حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.

حنفی، فتح الدین علی محمد. (۱۴۱۸ق). *فلک النجاة فی الامامة و الصلاة*. تحقیق ملا اصغر علی محمد جعفر. بیروت: دار الاسلام.

خازن، علاء الدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الخازن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۱۴ق). *المناقب*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بیروت: دار الكتاب العربی.

زیلعی، عبدالله بن یوسف. (۱۴۱۴ق). *تخریج الاحادیث والآثار*. تحقیق عبدالله بن عبدالرحمن سعد. ریاض: دار ابن خزیمه.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

\_\_\_\_\_ (بی تا). *طبقات المفسرین*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). *فتح القدر*. بیروت: دار ابن کثیر.

شهیدی صالحی، عبدالحسین. (۱۳۸۱). *تفسیر و تفاسیر شیعه*. قزوین: حدیث امروز.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۸ق). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*. بیروت: بی نا.

عاملی، جعفر مرتضی. (۱۴۲۶ق). *الصحيح من سیرة النبی الاعظم*. بی جا: سحر گاهان.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.

عینی، بدرالدین. (بی تا). *عمده القاری*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: انتشارات صدر.

قاضی عضد ایجی، عبدالرحمن بن احمد. (بی تا). *المواقف فی علم الکلام*. بیروت: عالم الکتب.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۱۶ق). *ینایع الموده لدوی القربی*. تحقیق علی جمال اشرف

الحسینی. بی جا: دار الاسوه.

ملا موسی میبدی، علی. (۱۳۹۲). «نقد دیدگاه ابن تیمیه در شأن نزول آیه مباحله». *سراج منیر*. ش ۱۱.

ص ۱۲۱-۱۴۲.

نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ق). *مدارک التنزیل و حقایق التاویل*. بیروت: دار الفنائس.

نظام نیشابوری، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بیروت: دار

الکتب العلمیه.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد. (۱۴۱۵ق). *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*. بیروت: دار القلم.  
هیثمی، نورالدین. (۱۴۰۸ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

## References

- The noble Qoran*, (2002). Translated by Ali Meshkini, Qom: al-Hadi.
- Abu Hayyan Andalosi, Mohammad b. Yusef. (1999). *al-Bahr al-Mohit fi al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Fekr.
- Abu Jafar Eskafi, Mohammad b. Abdullah. (1981). *Al-Meyar wa al-Mowazeneh*. Edited by Mohammad Baqer Mahmudi. n.p.: n.p..
- Abu Layth Samarqandi, Nasr b. Mohammad. (n.d.). *al-Bahr al-Olum*. n.p.: n.p..
- Abu Naim Esfahani, Ahmad b. Abdullah. (1991). *Dalayer al-Nobowwah*. Beirut: Dar al-Nafayes.
- Abu Naim Esfahani, Ahmad b. Abdollah. (1985). *al-Nur al-Moshtael*. Edited by Mohammad Baqer Mahmudi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Abu al-Seoud, Mohammad b. Mohammad. (n.d.). *Ershad al-Aql al-Salim ela Mazaya al-Ketab al-Karim*. Beirut: Dar al-Fekr.
- Alusi, Mahmud. (1994). *Ruh al-Maani fi Tafsir al-Qoran al-Azim*. Edited by Ali abd al-Bari. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Ameli, Jafar Mortaza. (2005). *al-Sahih Men Sirat al-Nabi al-Azam*. n.p.: Sahargah.
- Amini, Abd al-Hosayn. (1967). *al-Ghadir*. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi.
- Arusi Howayzi, Abd Ali b. Jomah. (1994). *Tafsir Nur al-Thaqalayn*. Qom: Entesharat Esmailian.
- Baghawi, Hosayn b. Masud. (1999). *Maalem al-Tanzil fi Tafsir al-Qoran*. Edited by Abd al-Razzaq al-Mahdi. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Bayzawi, Abdullah b. Omar. (1997). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Tawil*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Eyni, Badr al-Din. (n.d.). *Omdat al-Qari*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Fakhr Razi, Mohammad b. Omar. (1999). *Mafatih al-Ghayb*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Fayz Kashani. Molla Mohsen. (1994). *Tafsir al-Safi*. Tehran: Entesharat Sadr.
- Hakem Haskani, Obaydollah b. Ahmad. (1990). *Shawahed al-Tanzil Leqawaed al-Tafzil*. Edited by Mohammad Baqer Mahmudi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Hakem Neyshaburi, Mohammad b. Abdullah. (2003). *Marefat Olum al-Hadith*. Beirut: Dar Ibn Hazm.
- Hakem Neyshaburi, Mohammad b. Abdullah. (n.d.). *Al-Mostadrak ala al-Sahihayn*. Edited by Yusef Abd al-Rahman Marashi. n.p.: n.p..

- Hanafi, Fath al-din Ali Mohammad. (1997). *Falak al-Nejat fi al-Imamat wa al-Salat*. Edited by Molla Asghar Ali Mohammad Jafar. Beirut: Dar al-Islam.
- Haqqi Borusawi, Ismail. (n.d.). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fekr.
- Heythami, Nur al-Din. (1987). *Majma al-Zawaed wa Manba al-Fawaed*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Ibn Abi Asem, Ahmad b. Amrow. (1992). *Ketab al-Sonna*. Edited by Mohammad Naser al-din Albani. Beirut: al-Maktab al-Islami.
- Ibn Asaker, Ali b. Hasan. (1994). *Tarikh Madineh Demashq*. Edited by Ali Shiri. Beirut: Dar al-Fekr.
- Ibn Ashur, Mohammad b. Taher. (n.d.). *al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Moassisat al-Tarikh.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad b. Ali. (1985). *Lesan al-Mizan*. Beirut: Moassisat al-Alami lel Matbuat.
- Ibn Jawzi, Abd al-Rahman b. Ali. (n.d.). *Fath al-Bari*. Beirut: Dar al-Marefat.
- Ibn Jawzi, Abd al-Rahman b. Ali. (2001). *Zad al-Masir fi Elm al-Tafsir*. Edited by Abd al-Razzaq al-Mahdi. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi.
- Ibn Kathir Demashqi, Esmayil b. Omar. (1998). *Tafsir al-Qoran al-Azim*. Edited by Mohammad Hosayn Shams al-Din. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Ibn Khallikan, Ahmad b. Mohammad. (n.d.). *Wafiyat al-Ayan*. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Mardawayh, Ahmad b. Musa. (2001). *Manaqeb Ali b. Abi Taleb*. Edited by Abd al-Razzaq Herz al-Din. Qom: Dar al-Hadith.
- Ibn Taymiyeh Harrani, Ahmad b. Abd al-Halim. (1985). *Menhaj al-Sonneh fi Naqz Kalam al-Shiah al-Qadariyah*. Edited by Mohammad Rashad Salem. Riyadh: Imam Mohammad b. Saud Islamic University.
- Ibn Taymiyah Harrani, Ahmad b. Abd al-Halim. (n.d.). *Moqaddame fi Osul al-Tafsir*. Beirut: al-Maktabah al-Hayat.
- Ibn Sabbagh, Ali b. Mohammad. (2001). *al-Fosul al-Mohemmah fi Marefat al-Aemmat*. Qom: Dar al-Hadith.
- Jassas, Ahmad b. Ali. (1984). *Ahkam al-Qoran*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Jowayni Khorasani, Ibrahim b. Mohammad. (1979). *Faraed al-Semtayn*. Beirut: Moassisat al-Mhmudi.
- Kharazmi, Mowaffaq b. Ahmad. (1993). *al-Manaqeb*. Qom: Moassisat al-Nashr al-Islami.
- Khazan, Ala al-Din Ali b. Mohammad. (1994). *Tafsir al-Khazan*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Molla Musa Meybodi, Ali. (2013). «Naqd Didgah Ibn Taymiyah dar Shan Nozul Ayeh Mobahelah». *Seraj Monir*. no.11. p.121-142.
- Nasafi, Abdullah b. Ahmad. (1995). *Madarek al-Tanzil wa Haqayeq al-Tawil*. Beirut: Dar al-Nafaes.

- Nezam Neyshaburi, Hasan b. Mohammad. (1995). *Tafsir Gharaeb al-Qoran wa Raghaeb al-Forqan*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Qazi Azod Iji. Abd al-Rahman b. Ahmad. (n.d.). *al-Mawaqef fi Elm al-Kalam*. Beirut: Alem al-Kotob.
- Qonduzi, Solayman b. Ibrahim. (1995). *Yanabi al-Mawaddat le Zawi al-Qorba*. Edited by Ali Jamal Ashraf al-Hosayni. n.p.: Dar al-Oswah.
- Qortobi, Mohammad b. Ahmad. (1985). *Al-Jame le Ahkam al-Qoran*. Tehran: Entesharat Naser Khosro.
- Shahidi Salehi, Abd al-Hosayn. (2002). *Tafsir wa Tafasir Shiah*. Qazvin: Hadith Emruz.
- Shawkani, Mohammad b. Ali. (1993). *Fath al-Qadir*. Beirut: Dar Ibn Kathir.
- Soyuti, Jalal al-Din. (1983). *al-Dor al-Manthur fi al-Tafsir bel-Mathur*. Qom: Ketabkhaneh Ayat Allah Marashi Najafi.
- Soyuti, Jalal al-Din. (n.d.). *Tabaqat al-Mofasserin*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Tabari, Mohammad b. Jarir. (1987). *Jame al-Bayan An Tawil Ay al-Qoran*. Beirut: n.p..
- Tabatabayi, Mohammad Hosayn. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qoran*. Qom: Daftar Entesharat Eslami Jameyeh Modarresin Hawzeh Elmiyeh Qom.
- Termezi, Mohammad b. Isa. (1982). *Sonan al-Termezi*. Edited by Abd al-Wahhab Abd al-Latif. Beirut: Dar al-Fekr.
- Thaalebi. Abd al-Rahman b. Mohammad. (1997). *Jawaher al-Hesan fi Tafsir al-Qoran*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Thalabi Neyshaburi, Ahmad b. Mohammad. (2001). *Al-Kashf wa al-Bayan*. Edited by Abu Mohammad b. Ashur. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
- Wahedi Neyshaburi, Ali b. Ahmad. (1994). *al-Wajiz fi Tafsir al-Ketab al-Aziz*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Zamakhshari, Mahmud b. Omar. (1986). *Al-Kashshaf an Haqaeq Ghawamez al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi.
- Zeyali, Abdullah b. Yusef. (1993). *Takhrij al-Ahadith wa al-Athar*. Edited by Abdullah b. Abd al-Rahman Sad. Riyadh: Dar ibn Khozaymah.

**استناد به این مقاله:** بابا احمدی، زهره، رضایی هفتادر، حسن. (۱۴۰۱). نقد و تحلیل اعتبارسنجی تفسیر ثعلبی و بغوی از دیدگاه ابن تیمیه درباره آیات فضایل و مناقب، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۰)، ۳۱-۵۹.

DOI: 10.22054/rjqk.2022.69289.2661



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

